

انجمن بلدیة بوشهر در دوره مشروطه و علل و عوامل ناکامی آن^۱

زهرا مروتی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام (ره)،

تهران، ایران

علی اکبر خدری زاده^۲

استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام (ره)، تهران، ایران

محمد کلهر

استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام (ره)، تهران، ایران

چکیده

انجمن بلدیة بوشهر یکی از نهادهای مدنی برخاسته از انقلاب مشروطه بود که با هدف مشارکت مردم در عرصه‌های شهری و اجتماعی به‌ویژه ایجاد نظم و انضباط در زندگی شهری به‌وجود آمد. در این مقاله با بهره‌گیری از منابع تاریخی، به‌ویژه مطبوعات و اسناد آن دوره، روند شکل‌گیری بلدیة بوشهر، وظایف و عملکرد آن بررسی شده است. انجمن بلدیة بوشهر با چه موانع و مشکلاتی روبه‌رو شد و چه علل و عواملی مانع از تداوم فعالیت‌های آن گردید؟ پرسشی است که این مقاله در پی پاسخ‌دادن برآمده است. بنابر یافته‌های این پژوهش، علل و عواملی چون اختلاف نظر میان حکمرانان بوشهر با اعضای انجمن بلدیة، کمبود بودجه مالی بلدیة، بی‌اعتمادی و بدبینی مردم نسبت به نهادهای دولتی، درگیری‌های ایلی و عشیره‌ای در منطقه و ناآرامی‌های سیاسی-اجتماعی سراسری، از عوامل اصلی در ناکامی انجمن بلدیة در اجرای وظایف و دستیابی به اهداف و موانع عمده در تداوم فعالیت‌های آن بود.

کلیدواژه‌ها: انجمن بلدیة، بوشهر در دوره قاجاریه، بلدیة بوشهر، تاریخ شهرداری.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۴

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): khedrizeh@yahoo.com

مقدمه

یکی از دستاوردهای جنبش مشروطه تشکیل نهادهای مدنی جدید بود. مجلس اول که مهم‌ترین ثمره انقلاب مشروطه بود با همه بی‌تجربگی وکلای آن، توانست با تصویب قوانین مترقی، نقش تاریخی خود را به‌خوبی ایفا کند. از جمله مصوبات مجلس اول، قانون انجمن بلدی یا نظامنامه بلدی بود که بر اساس آن مردم هر شهری می‌توانستند در امور شهر خود نظارت و دخالت مستقیم داشته باشند. ارزیابی همه‌جانبه، عمیق و دقیق عملکرد و دستاوردهای این انجمن‌ها مستلزم پژوهش‌های خرد دربارۀ هریک از این انجمن‌های بلدی در شهرهای گوناگون ایران است. درباره انجمن‌های بلدیۀ تهران، اصفهان، تبریز، مشهد، شیراز، قزوین، رشت و بندرانزلی پژوهش‌هایی صورت گرفته و عملکرد این انجمن‌ها از جنبه‌های گوناگون کاویده شده است.^۳ این مقاله به بررسی عملکرد بلدیۀ بوشهر می‌پردازد و به این پرسش پاسخ خواهد داد که انجمن بلدیۀ بوشهر با چه موانع و مشکلاتی مواجه بود و چه علل و عواملی مانع از تداوم فعالیت‌های آن گردید؟

۳. برای نمونه نک. بیطرفان، محمد، مدیریت شهری نوین در ایران؛ تجربه انجمن‌های بلدی در دوره مشروطیت، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۵ش؛ فلاح توتکار، حجت و محمد بیطرفان، «شکل‌گیری و عملکرد انجمن بلدیۀ اصفهان در دوره اول مجلس شورای ملی»، مطالعات تاریخ فرهنگی، س دوم، ش ۷، بهار ۱۳۹۰، صص ۹۳-۱۲۰؛ فلاح توتکار، حجت و محمد بیطرفان، «شکل‌گیری و عملکرد انجمن بلدیۀ تهران در دوره اول مجلس شورای ملی»، تاریخ اسلام و ایران، ش ۱۲، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۴۳-۱۶۲؛ بیطرفان، محمد، «شکل‌گیری اولین انجمن بلدی مشهد در دوره اول مجلس شورای ملی»، تاریخ نو، ش ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۵-۲۵؛ ابراهیمی، مرتضی و سهیلا ترابی فارسانی، «نقش بلدیۀ در کنترل بازار در دوره پهلوی»، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۰، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۱-۲۰؛ قدیمی قیداری، عباس و مرتضی شهبوساری، «بلدیۀ تبریز گذر از محله‌گرایی به هویت شهری»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال هشتم، ش ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۸۳-۲۰۹؛ خدای مهدی و دیگران، «بررسی عملکرد بلدیۀ در دوره پهلوی اول، نمونه پژوهی شیراز»، پژوهش‌های تاریخی، سال دهم، ش ۳۹، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱-۲۳؛ یوسفی‌فر، شهرام و زهره شیرین‌بخش، «بلدیۀ و اصناف: چالش‌های مدیریت شهری نوین در دوره پهلوی اول»، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال هشتم، ش ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۳۹-۲۶۱.

شکل‌گیری انجمن بلدیة در بوشهر

تا پیش از انقلاب مشروطه، بوشهر از امکانات مدیریت شهری بی‌بهره بود. وقتی آب و هوا تغییر می‌کرد و به‌ویژه هنگام شروع گرما، شیوع امراض و بیماری‌ها بیش‌تر می‌شدند. تب، اسهال و وبا در این میان رواج بیش‌تری داشت. نظافت شهر با اداره گمرک و قرنطینه شهر بود، یعنی آن‌ها معابر عمومی شهر را نظافت می‌کردند. کوچه‌ها همیشه کثیف بودند و شدت گرما به‌علاوه آب آلوده بیش‌تر مردم را در معرض ابتلاء به بیماری‌های گوناگون قرار می‌داد. از سوی دیگر عده‌ای از مردم با بی‌مبالاتی شهر را آلوده می‌کردند، بنابراین تقاضای نظافت شهر در ایام گرما همیشه مطرح بود؛ «خصوصاً تنظیف کثافات متفرانه که پشت دیوار و جنب در سربازخانه جمع گردیده‌است که علاوه بر تولید امراض، باعث خجالت و خفت در انظار خارجه است».^۴ کنت دوگوبینو از شرایط نامناسب منازل، خانه‌های محقر، محلات مملو از ویرانه، زمین‌های بی‌آب و علف و با تلاق‌های متعفن و بازار بسیار کوچک بوشهر اطلاعات بسیاری به‌دست داده‌است.^۵

آب و هوای نامناسب از مشکلاتی اساسی بندر بوشهر بود. گرمای شدید از اواخر تیرماه زندگی روزانه مردمان این بندر را غیرقابل تحمل می‌کرد؛ گفته می‌شد گرمای هندوستان در مقایسه با گرمای بوشهر هیچ نبود.^۶ آب مصرفی و نوشیدنی عامل اصلی امراض بود، زیرا «اغلب میکروب‌های مسریه در آب تمکن داشته»^۷ و باعث بروز انواع بیماری‌ها به‌ویژه مرض وبا در این منطقه می‌شدند. وبا در قرن نوزدهم هفت مرتبه جان بسیاری از ساکنین بنادر شمالی خلیج فارس به‌ویژه بوشهر را گرفت.^۸ چاه‌های آب آشامیدنی

۴. سدیدالسلطنه، بندرعباس و خلیج فارس، ۵۴۳-۵۴۴.

۵. دوگوبینو، ۹۴-۹۵.

۶. اوکانر، ۱۳۰.

۷. بلدیة، س چهارم، ش ۱۰، ۲.

۸. بلدیة، ش ۱۶، ۱.

چندین مایل با شهر فاصله داشت^۹ به طوری که ۶ الی ۸ ساعت طول می کشید^{۱۰} تا ساکنین، آب شیرین را توسط الاغ به شهر حمل کنند.^{۱۱} بهترین آب های بوشهر، مزه تلخی داشت. کل ساکنین این شهر هنگام نزول رحمت الهی، آب باران را به جهت شرب خود گرفته و در حُم های بزرگ که از بحرین می آوردند، ضبط و هنگام ضرورت صرف می کردند و اگر آب باران در آن جا یافت نمی شد چای خوردن ممکن نبود، زیرا چای تهیه شده از آب های چاه خوب نمی شد و قابل نوشیدن نبود.^{۱۲}

از گزارش ها و توصیف های مندرج در سفرنامه های دوره قاجار چنین استنباط می شود که قبل از دوره مشروطه بوشهر از امکانات زندگی شهری بی بهره بود به طوری که فلاندن زمانی که در بوشهر اقامت داشت می نویسد: «عموم محله ها غیر مسکونی، خانه ها مسدود یا مخرب بودند. تمام دکان ها کوچک، کثیف، تاریک و عاری از تاجر بود و عده نفوسش در اثر وبا و طاعون کم گردیده و می شود گفت سه ربع جمعیتش در اثر این امراض مسری تلف گردیده اند».^{۱۳} در برهه ای یکی از حکمرانان بوشهر کوشید آب پاکیزه به مردم برساند؛ «در سنه ۱۲۷۲ هـ که بندر بوشهر تحت حکومت مرحوم قوام الملک بود، در سمت بوشهر برکه بزرگی که کفایت آب خوراک شش ماهه اهالی را می نمود بنا نموده و در اطراف آن صحنی وسیع با سنگفرش ساخته اما در این مدت به واسطه عدم مرمت بالمره شکسته و خراب شده، قوام الملک این بنای خیرانه را کاملاً تعمیر و مرمت نمود که موجب آسودگی اهالی و دعاگویی وجود اقدس همایون شهریاری [مقصود ناصرالدین شاه قاجار] باشد».^{۱۴}

با وقوع انقلاب مشروطه، کوشش های زیادی برای تشکیل انجمن بلدی در بوشهر

۹. لاخ، ۱۸۰.

۱۰. چریکف، ۷.

۱۱. استفان رأی، ۳۸؛ نیز نک. حسینی فسایی، ۱۳۲۰/۲.

۱۲. آل داوود، ۷۲.

۱۳. فلاندن، ۳۶۹.

۱۴. ایران، ش ۸۴۵، ۶.

صورت گرفت. وکلای بلدیة برای رسیدگی به کارهای شهری باید از میان کسانی انتخاب می‌شدند که در کارهای بلدی از قبیل تعمیر، نظیف و تعیین نرخ‌ها سررشته داشته باشند.^{۱۵} باین اوصاف سرانجام این شهر به‌عنوان اصلی‌ترین مرکز بنادر شمالی خلیج‌فارس دارای اداره بلدیة گردید. اما گویا این اداره تنها به اسم مستقر بود، چه از آن نفعی به حال عموم نمی‌رسید، جلو تعدیات گرفته نشد و در اصلاحات آن‌گونه که باید پیشرفتی حاصل نشد.^{۱۶} از همان ابتدا اختلافاتی که در جریان انتخابات مجلس اول گریبان‌گیر بوشهر شده بود در انتخابات بلدیة نیز رخ نمود. دو دستگی و دوگانگی در شهر شایع بود و به نتیجه انتخابات اعتراض می‌شد. با این همه اداره بلدیة در ۱۳۲۸ق و توسط موقراللدوله، حاکم وقت بوشهر با ۲۵ عضو تأسیس شد. اسامی برخی از اعضای انجمن بلدیة، بعد از حذف القاب عبارت است از: جناب آقای سیدرضا حافظ‌الصحة، جناب آقای سید حسین تاجر بهبهانی، آقا سید باشی تاجر بهبهانی، آقا سید محمود تاجر بهبهانی، حاج آقا تاجر کازرونی، حاجی محمد حسین تاجر دهدشتی، حاجی محمدجعفر تاجر بوشهری، حاجی محمدحسن تاجر بوشهری، آقا عبدالرسول چوک، آقا کربلایی غلامرضا عطار، آقا کربلایی اسماعیل ساعت‌ساز.^{۱۷}

وظایف انجمن بلدیة

رسیدگی به امور ساختمانی و عمرانی، بهداشت عمومی، جلوگیری از امراض و شیوع بیماری^{۱۸} (ضمیمه شماره ۳) بازسازی بازار، نوسازی معابر عمومی، ایجاد روشنایی در خیابان‌ها، تعدیل در خرید و فروش ارزاق عمومی و یکسان‌سازی قیمت اجناس به‌ویژه

۱۵. مجلس، ش ۲۹، س ۵، ۴.

۱۶. مظفری، نمره نهم، ۱۴۰-۱۳۹.

۱۷. مظفری، ش شانزدهم، ۱۳.

۱۸. ساکما، ش، ۳۵۵۰۰۱۵۹، محل در آرشیو ۵۰۸ آ.

حوائج ضروری مردم از جمله نان و گوشت از وظایف انجمن بلدیة بوشهر بود. اداره بلدیة و اداره نظمیة، به منظور جلوگیری از تقلب و اجحاف بر کسبه و خبازها نیز نظارت می-کردند.^{۱۹} کوشش‌هایی نیز در برای اخذ مالیات از اجناس صورت گرفت که معمولاً با اعمال نفوذ از جانب ملاکین بزرگ خنثی می‌گردید.^{۲۰}

بلدیة تلاش می‌کرد اخلاق عمومی و موازین رفتار مدنی را در مردم نهادینه سازد، از همین روی خریداران و فروشندگان را به رعایت این موازین تشویق می‌نمود؛ هرچند فروشندگان در اغلب موارد از قوانین تخطی می‌کردند.^{۲۱} انجمن مقرر کرد تا مسیرهای پر رفت‌وآمد و معابر عمومی بازارها سنگفرش شوند تا مانع برخاستن گرد و غبار و آلوده شدن مغازه‌ها به لجن و گل‌ولای گردند و به این شکل مانع سرایت بیماری‌های عفونی بین مردم شوند. درباره تأمین آب آشامیدنی نیز عملاً امور آبی شهر و آب رساندن به خانه‌ها به کلی با اداره بلدیة بود.^{۲۲}

برق‌رسانی به شهر نیز از وظایف بلدیة بود؛ از این روی مقرر گردید خیابان‌ها تعریض شوند، معابر عمومی مرمت گردند و پانصد عدد چراغ روشنایی در معابر عمومی نصب شود.^{۲۳} بدین منظور هم‌چنین یک کارخانه چراغ‌برق از یک کمپانی انگلیسی به شرط آن که هزار چراغ سالم ارائه بدهد، آلات خود را برای تنویر و روشنایی خانه‌های شهر بوشهر وارد کرد. پس از امتحان و روشن نمودن، معلوم گردید که کارخانه از عهده نصب هزار چراغ بر نمی‌آید و در ضمن بسیاری از اسباب و آلات آن معیوب بودند.^{۲۴} انجمن هم‌چنین مسئول ساختن قنات و سد، ساختن دارالشفای و بیمارخانه‌ها، ممانعت از آلوده کردن آب‌ها و ریختن

۱۹. رعد، ش ۱۵۶، ۲؛ حبل‌المتین، ش ۷، ۶؛ بلدیة، ش ۵، ۲.

۲۰. ایران، ش ۲۳۴، ۱.

۲۱. حبل‌المتین، س ۱۸، ش ۳۴، ۱۵.

۲۲. استقلال، ش ۸۲۳، ۳.

۲۳. کاکس، ۱۲۰.

۲۴. سعادت، ۴۶.

چیزهای گندیده در جوی‌ها و رسیدگی به امر قبان‌ها، پیمان‌ها، وکیل‌ها و ذرع تا رسیدگی در شهرها بود.^{۲۵}

بودجه و اعتبارات مالی

بلديه بوشهر برای این که بتواند به فعالیت خود ادامه دهد، و نیازهای مالی خود را تأمین کند، نیازمند بودجه بود. بودجه بایستی از تهران می‌رسید، چرا که «هر عاید خالصی که از منبع دیگری تأمین می‌شد، باید به تهران فرستاده شود و اصلاً به مصرف ایالات نرسد و این امر موجب شده تا شهر به‌طور روزافزونی سیمای مخروبه خود را به تماشا بگذارد».^{۲۶} کسری بودجه از مشکلات گریبان‌گیر این اداره بود. به طوری که در سال ۱۳۰۰ ق این مبلغ به نهصد و هشتاد و نه تومان می‌رسید.^{۲۷} (ضمیمه شماره ۱)

انجمن بلديه برای تأمین بخشی از اعتبارات مالی خود مالیات‌های جدیدی وضع کرد. مانند وضع مالیات از محصولات کشاورزی، مالیات وسایط نقلیه اعم از وسایط نقلیه متعلق به صاحب‌منصبان و سایر اعضای ملی، کشوری و لشکری^{۲۸} و مالیات از خانه‌های سادات و روحانیون تهیدست که به مبلغ یک قران مطالبه می‌شود.^{۲۹} قرار بود این وجه به مصرف تنظیف خیابان‌ها، معابر و روشن نگه داشتن چراغ شهر برسد.^{۳۰} از دیگر مالیات‌ها، مالیات نواقل بود که در هنگام ورود و خروج کالا به شهر از صاحبان کالا دریافت می‌شد. گویا این عایدات نیز توسط کلاتر بوشهر برای استفاده کلاتری اختصاص یافته بود.^{۳۱} حتی

۲۵. آدمیت و ناطق، ۵۴.

۲۶. حیدری، ۵۲.

۲۷. ساکما، ش ۲۹۳۰۰۵۱۲، محل در آرشیو ۱۵۱ ک.

۲۸. سدیدالسلطنه، التدقیق فی سیر الطریق، ۱۰.

۲۹. مشروطیت جنوب ایران، ۳۲۱.

۳۰. مظفری، ش هفتم، ۱۲.

۳۱. کاکس، ۷۵.

مالیات بر مشروبات الکلی هم برای تأمین بودجه مطرح شد.^{۳۲} مالیات از کالسکه بورس (کالسکه کرایه‌ای) نیز از دیگر مالیات‌ها بود که به مبلغ ۲۵ قرن در ماه دریافت می‌شد. این مالیات اعتصاب کالسکه‌چی‌ها را برانگیخت؛ آنان بر این باور بودند، هیچ بهبودی در وضع خیابان‌ها مشاهده نمی‌شود، ولی در عوض مالیات را به ۱/۵ برابر افزایش داده‌اند.^{۳۳} یکی دیگر از منابع مالی لازم، وصول مالیاتی به مبلغ دو قران از هر مغازه در بازار بود که وصول آن هم به عهده نهاد جدیدالتأسیس دیگری به نام نظمی‌ه واگذار گردید تا در صورت عدم پرداخت مالیات مربوطه، اجناس مغازه‌ها مصادره شود.^{۳۴} انجمن بلدی‌ه اعلام نموده بود در تعقیب دستورات دریافتی از تهران، من بعد مالیاتی بر اسب‌ها، الاغ‌ها خواهد شد. وضع این مالیات جدید موجب رنجش و نارضایتی طبقه‌ای گردیده که به صورت دوره گرد، هیزم، آب و... مورد نیاز روزانه مردم بوشهر را به فروش می‌رساندند، از این رو اخزکچی‌ها و عمدتا سقاها به عنوان اعتراض دست از کار کشیدند.^{۳۵} طبق جدول وجوهاتی که از صاحبان اسب و الاغ‌ها دریافت می‌شد، از سال ۱۳۲۵هـ تا سال ۱۳۲۷هـ میزان دریافتی برای یک راس اسب مبلغ ۱۱ قران و سه شاهی ترقی کرده است.^{۳۶}

عدم تخصیص بودجه به اداره بلدی‌ه باعث اخلال در مدیریت شهری می‌شد، به طوری که معابر شهر بوشهر اغلب کثیف و خیابان‌ها تاریک بودند.^{۳۷} (ضمیمه شماره ۲) گاهی اوقات بین انجمن بلدی‌ه و حکمران بوشهر تداخل تصمیم‌گیری بروز می‌کرد. مهم‌ترین مشکل، درباره وضع مالیات‌های گوناگون بود، موقرال‌دوله حکمران بوشهر آن را در زمره

۳۲. فلور، ۵۸.

۳۳. کتاب نارنجی، ۱۷۹/۱.

۳۴. کاکس، ۱۲۰-۱۲۱.

۳۵. مشروطیت جنوب ایران، ۲۵۹.

۳۶. کتاب آبی، ۶۶۱/۶.

۳۷. ساکما، ش ۱۵۹، ۳۵۵۰۰۰، در آرشیو ۵۰۸. آ.

وظایف خود می‌دید و انجمن خود را ملزم بر نظارت بر مالیات‌ها می‌دانست.^{۳۸}

علل و عوامل ناکامی انجمن

با این‌که بلدیة می‌خواست رفتارهای فردی و اجتماعی اهالی را سامان دهد، اما در مقام عمل بسیاری موارد مردم به همان روحیات قدیمی بدون توجه قرار دادن حقوق دیگران روی می‌آوردند. روزنامه حبل‌المتین بخشی از این رفتار را چنین بازنویسی کرده‌است: «اتفاقاتی که در این ایام در بازار بوشهر بر سر گوشت رخ می‌دهد بعینه واقعات مهر و موم‌های قحطی را یاد می‌آورد، روزی نیست که ده دوازده دعوا و نزاع بر سر گوشت نشود، همین‌که یک شقه گوشت درب دکان قصابی ظاهر می‌شود، جمعیت زیادی به آن روی آورده و کاردها و چاقوها را بیرون کشیده با یک عالم وحشی‌گری و بربریت آن شقه را پاره‌پاره می‌نمایند».^{۳۹} بدیهی است تأمین امنیت و بهبود وضعیت اجتماعی منطقه صرفاً با اقدامات بلدیة مهیا نمی‌شد، بلکه باید مجموع دوایر و دستگاه‌های اداری دولت دست به کار می‌شدند و نظم و نسق و امنیت روانی و اجتماعی جامعه را تأمین می‌کردند. برای این منظور باید فرهنگ‌سازی در اولویت قرار می‌گرفت.^{۴۰}

بعد از تشکیل انجمن بلدیة در دوران مشروطه، متأسفانه در مهر و موم‌های بعد، از تشکیل انجمن‌های بلدی در بوشهر، جهت تصمیم‌گیری بر امور شهر، در طول سال‌های پرآشوب کمتر نشانی می‌بینیم، به طوری که نشریه طلوع می‌نویسد: «با آغاز جنگ جهانی اول، اوضاع نابسامان بوشهر طوری بود که مردم در تنگنا بوده، و منعیات بوشهر و آب‌کشی آن، زندگی را برای مردم با سختی‌هایی مواجه کرده بود. بیچاره مردم بوشهر زندگانی خوبی

۳۸. مشروطیت جنوب ایران، ۲۳۹-۲۴۰.

۳۹. حبل‌المتین، ش ۱۷، ۱۶.

۴۰. همان، ۱۷.

نداشتند».^{۴۱} کثافت شهر و نبودن اداره بلدیه باعث تولید مرض طاعون شده بود. عجیب آن است که با وجود مهیا بودن اسباب بلدیه و نوع خواهی حکومت آن زمان هیچ خبری از اقدامات بلدیه که روح مملکت است نمی‌شد.^{۴۲} تنها فعالیت بلدیه در این دوره ارسال ماهانه صورت نرخ اجناس و ارزاق به وزارت فواید عامه و تجارت بود.^{۴۳}

صورت عایدات و مخارج بلدیه بوشهر در این مهرومومها موضوعی بود که در نشریات مختلف به‌ویژه جنوب مطرح می‌شد: «ما آن‌چه می‌دانیم در خیر و سعادت هموطنان عزیز محبوب خود، راجع به استقرار حکومت ملی و پایداری استقلال مملکت شرح می‌دهیم: در این موقع تنگ منتظر و متوقع‌ایم که هموطنان عزیز محبوب ما در عملیات خود از روی یک نقشه متحدالاساس ابراز لیاقت و کفایت نموده مانند سایر هم‌قطاران خود داخل در عداد محلیه حافظ خود باشند. در ظرف این مدت هیچ‌یک از اصلاحات لازمه بعمل نیامده. برای چه؟ برای این که به وظایف حکومت ملی رفتار نشده. در حکومت ملی باید انتخابات عمومی باشد. منافع مشترکه عادلانه و به استحقاق تقسیم شود. از قوانین مملکت همه متمتع گردند و بالاخره امنیت جانی و مالی و ناموسی برای قاطبه افراد مملکت منظور شود».^{۴۴}

بلدیه به‌خاطر بی‌رحمی و بی‌مبالاتی اعضای کمیسیون خود روزبه‌روز ضعیف‌تر و رو به حالت نابودی پیش می‌رفت. از کثیفی کوچه و بازار در روز و تاریکی معابر در شب عبور و مرور بسیار دشوار بود.^{۴۵} بنا بر گزارش روزنامه جنوب، بلدیه بوشهر به‌عنوان اصلی‌ترین بندر خلیج فارس در آن مقطع تاریخی، جز نامی نداشت و سودی از آن عاید مردم نمی‌شد،

۴۱. حبل‌المتین، س ۲۰، ش ۴، ۱۵.

۴۲. یادگار جنوب، س اول، ش ۷، ۶.

۴۳. ستاره ایران، ش ۱۳، ۲.

۴۴. جنوب، ش ۸، ۷-۶.

۴۵. حبل‌المتین، ش ۳۱، ۷.

تعدیات مالی به واسطه قانون‌گذاری‌های خودسرانه افزون شده بود و به همین دلیل در پیشرفت امور اصلاحی صورت نمی‌گرفت.^{۴۶}

انجمن بلدی به همان شکل نه‌چندان قابل قبول تا پایان دوره قاجار خودگردان بود و هزینه‌های خود را از طریق عوارض، مالیات و حق‌الزحمه از مردم تأمین می‌کرد و ناامنی‌ها فعالیت‌های آن را مختل می‌کرد. روزنامه حبل‌المتین در شماره‌های گوناگون خود، از ضعف انجمن بوشهر به شدت ابراز نارضایتی می‌کرد، زیرا به انتظارات مردم هیچ پاسخی نگفته بود. روزنامه مجلس نیز در شماره‌های مختلف نارضایتی خود را از اقدامات انجمن بلدیة در شهرها اعلام می‌نمود.^{۴۷} در واقع نابسامانی تشکیلات بلدیة در بوشهر و نارضایتی عمومی از عملکرد آن‌ها باعث شده بود، اقدامات مفید آن‌ها نیز کوچک و بی‌فایده شمرده شود و عموم مردم از عملکرد این نهاد ناراضی باشند.^{۴۸}

نخستین عامل در ناکامی انجمن، ریشه در بی‌اعتمادی و بدبینی مردم به نهادهای دولتی داشت. ناکامی مدیریت شهری انجمن‌های بلدیة تابعی از ناکامی مشروطه بود. به عبارت دیگر با بحران در نظام مشروطه، در نهادهای برخاسته از مشروطه نیز بحران بروز کرد. بلدیة بوشهر نتوانست انتظارات مردم و کسانی را که به مشروطه امید بسته بودند برآورده کند، اگرچه برخی اقدامات انجام گرفت که نسبت به دوره گذشته گامی به جلو محسوب می‌شد. «راه‌ها و مسیر بازار که بسیار تنگ و مملو از گل‌ولای و لجن [بود] به قسمی که عابرین از عفونت و تنگی در اشد عذاب بودند، عریض شد و اداره مالی بلدیة مانع حیف و میل اموال شد و امیدواری وجود داشت که عن‌قربیب جمیع کوچه‌های بوشهر مسطح و به واسطه نصب چراغ مانند روز روشن گردد».^{۴۹}

۴۶. جنوب، ش ۷، ۸.

۴۷. مجلس، ش ۳۰، ۳-۴.

۴۸. حبل‌المتین، ش ۴، ۷.

۴۹. همان، ش ۲۴، ۱۵.

دخالت صاحب‌منصبان دیگر نیز یکی از عوامل دوم در ناکامی بلدیه بوشهر در راه انجام وظایف بود. مثلاً دخالت‌های کلاتر سابق یکی از موانع و مشکلات بر سر راه انجمن بود. سید حسین بهبهانی، رئیس انجمن، و دیگر اعضای انجمن توانایی مقابله با کلاتر را نداشتند، «زیرا قوه مجریه که حکومت باشد از جناب کلاتر خائف است و تا این مرعوبیت و سست عنصری در حکومت باقی است، به هیچ کاری موفق نخواهد شد».^{۵۰} نمونه دیگر اختلاف نظر بین حکام محلی با انجمن ایالتی از سویی و بلدیه از سوی دیگر بود که در جاه طلبی‌های رایج مسئولین امر، در عدم تقسیم وظایف و تداخل مسئولیت‌ها ریشه داشت. مشخص نبودن تکلیف اعضای بلدیه در نخستین جلسات انجمن و معین نبودن ردیف حقوقی آن‌ها، از مشکلات اعضای انجمن‌های بلدیه به شمار می‌رفت.^{۵۱} حدود و مرزهای مسئولیت‌ها مشخص نبود، نه حکام محلی حاضر بودند از اختیارات گسترده پیش از مشروطه دست بردارند و نه نهادهای جدید برخاسته از نظام مشروطه قادر بودند مردم و مسئولین را به تمکین از فرامین و مصوبات خود وادارند، زیرا فرهنگ تشریک مساعی و همکاری‌های اجتماعی به منظور پیش بردن امری که به مصالح عمومی مرتبط بود، وجود نداشت. از آنجایی که ردیف بودجه‌ای برای فعالیت‌های انجمن بلدیه در نظر گرفته نشده بود، این تجار و ثروتمندان بودند که برای ادامه کار آن‌ها کمک‌هایی تأمین می‌کردند. البته آن‌ها هم به همان دلیل عدم فقدان روحیه تشریک مساعی و اخلاق اجتماعی، چندان موفق نگردیدند.

عدم هماهنگی و مشکلات اداره بلدیه با اداره مالیه نیز عامل و مانعی دیگر در پیشبرد امور بلدیه بود. اختلافات مابین اداره مالیه و بلدیه بر سر استفاده از عایدات و مالیات نواقل سبب شده بود فعالیت‌های بلدیه به حالت تعلیق در بیاید. روزنامه حبل‌المتین در مقاله‌ای تحت عنوان تنگدستی شهرداری بوشهر به‌واسطه اجحاف اداره دارایی و مالیه از تعدیات

۵۰. حبل‌المتین، ش ۱۷، ۱۶.

۵۱. آئینه غیب نما، ش ۲۷، ۴.

مکرر رئیس مالیه بندرهای جنوب چنین می نویسد:

«بدبختانه اداره بلدیة بوشهر که از پرتو احساسات اهالی، برای پیشرفت وضعیات بلدی و فراهم آوردن وسایل آرامش مردم، تقریباً ۱۴ سال است که تشکیل یافته، به واسطه تصادمات و سلوک غیرمنصفانه و تعدیات متجاوزانه رئیس مالیه بندرهای جنوب که دامن گیر اداره بلدیة بوشهر شده، اساس آن متزلزل و رو به انحطاط گذارده است. این اداره از بدو تشکیل، به طیب خاطر اهالی، در تحت ریاست سید حسین تاجر بهبهانی که متدین و فعال است اداره شده و در حقیقت در سهم خود خدمتی به عالم ملیت نموده، افتخار بدون اخذ هیچ حقی با کمال جدیت خدمت می کنند در این جا شمه ای از اقدامات و عملیات عام المنفعه آن را می نگارم: جلوگیری از فروش ارزاق و ماکولات (خوراکی ها)، اصلاح معابد، تنظیف شهر و خیابان ها، تنویر شهر و خیابان ها، علاج فقرا، کفن و دفن فقرا، ساختن خیابان ها در خارج از شهر به فاصله دو مایل برای عبور و مرور اتومبیل و کالسکه و پیاده رو تقریباً مخارج این مؤسسات بالغ بر ۳۵۰۰۰ تومان شده است. رئیس مالیه بنادر که جز اختناق روح ملت را در نظر ندارد، خیابان اداره بلدی را تصرف نموده و خود شخصاً متصدی وصول اعانه (عوارض) که وصول آن مختص بلدیة است گردیده و در عرض هر ماه یک جزئی از اعانه مزبور بدون صورتحساب به بلدیة ایصال (رسانیده) می داشت و فعلاً ۴ ماه است که از اعانه ۵۹ اتومبیل که هر ماه ۲۹۵ تومان باید بشود یک دینار به بلدیة نرسانیده. آخر به کدام مواد و شرایط قانونی رئیس مالیه می تواند خیابان احداثیه بلدیة را تصرف و اعانه ملی که فقط انحصار به بلدیة دارد ضبط نماید؟ بالاتر از این، عواید نوافل (عوارض حمل و نقل که در آن دوران واکسیناسیون آبله می شد) را که دولت اختصاص به بلدیة داده ضبط نماید و بنا به احکام داخله (مازاد نوافل) پس از دفاع عشریه آبله کوبی باید به بلدیة برسد که به اصلاحات بلدی صرف شود. فعلاً ۴ ماه است که یک دینار از حقوق نوافل هم به بلدی نرسیده و در اثر این پیشامدها بلدیة قریب به انحلال گردیده است. از اثر تعدیات و تجاوزات اداره مالیه، اساس ملی ما متزلزل و به قهقرا برگشته است. از روی چه و

به موجب کدام قانون یک نفر مأمور مالیه مایه خراجی و تزلزل بلدیہ گردیده؟^{۵۲}

اگرچه شکایات متعدد حاکم بوشهر از مداخلات مأموران مالیه در امور انجمن راه به جایی نبرد و نهایتاً چند سال بعد با تصمیمات اتخاذ شده از طرف حکومت مرکزی، دریافت عوارض بلدیہ بر عهده اداره مالیه محوّل گردید.^{۵۳} (ضمیمه شماره ۴) انتقال دریافت عوارض از اداره بلدیہ به مالیه، در جهت سیاست تجمیع درآمد دولت بود. از این زمان به بعد، اداره بلدیہ برای تأمین هزینه‌های خود، همواره چشم امید به اداره مالیه داشت. «به طوری که اطلاع حاصل کرده‌ایم پس از الغای عوارض بلدی، اداره بلدیہ در حدود احتیاجات اداری، دارای اجزاء خواهد بود و برای جریانات اداری عوارضاتی که به نام الغای باج راه مصوبه دارالشورای ملی اخذ خواهد شد، از طرف اداره مالیه به بلدیہ محلی برای مخارج شهری خواهد پرداخت».^{۵۴}

عامل چهارم فقدان نهادهای مدنی و تداوم اخلاقیات ایلی و عشیره‌ای بود که مانع و معضلی مهم در اجرای اهداف انجمن بلدیہ در بوشهر بود.

«بنادر از جمیع مزایای ترقی محروم، و اساس‌های جدید که منشاء راحت و حاوی حقوقی شناخته شده [است] معدوم، همان ترتیبات قدیمی زمان توحش و انواع دسایس و حیل برقرار است و دائم الاجرا، نفس‌ها در سینه محبوس، جرئت دم زدن و لا و نعم گفتن ندارند و گرنه مورد خشم و غضب دزدانی که نام نامی محافظ، کدخدا، کلانتر، حاکم، محتسب و غیره به اغراض شخصی و جهالت فطری ملوث نموده‌اند، خواهند شد. از هیچ‌گونه خسارات و تلفات محفوظ نیستند. از این‌رو است که خوانین به اندک ناملامی که می‌بینند فوراً قتل و غارت و احتراق دهات و سوزاندن خرمن‌های یکدیگر مرتکب شده و هر

۵۲. حبل‌المتین، ش ۷، ۱۲.

۵۳. ساکما، ش، ۲۹۷۷-۲۹۰۰، محل در آرشیو ۱۴۷ الف.

۵۴. پرورش، ش ۷۵، ۲.

نوع بی‌رحمی و خون‌خواری و وحشی‌گری که می‌توانند در حق هم دریغ نمی‌نمایند».^{۵۵} در یک نمونه با افزایش قیمت گوشت، رئیس انجمن بلدیة طی نامه‌ای به حکومت کل بنادر جنوب، نگرانی خود را اظهار داشته و بررسی قیمت نهایی گوشت را در برنامه جلسات انجمن اعلام می‌دارد.^{۵۶} (ضمیمه شماره ۵) روزنامه پرورش در خبری با عنوان «جلوگیری از تقلب» درباره کم‌فروشی قصاب‌ها و اقدام بلدیة در این باره می‌نویسد: «دایره تفتیش بلدیة اطلاع می‌دهد که قصاب‌ها در موقع فروش گوشت از قیمت معینه و مقدار و وزن تقلب می‌نمایند. متصدی محترم بلدیة دستور داده‌اند که از اعمال تقلب آن‌ها جلوگیری و مرتکبین را جلب و مجازات نمایند».^{۵۷} علت افزایش قیمت‌ها در دو چیز خلاصه می‌شد: اول قانون‌گریزی توده‌های عادی مردم و دیگری منفعت‌طلبی شخصی برخی اعضای انجمن‌های بلدیة. در حقیقت با این‌که اعضای بلدیة از مغازه‌دارها و گمرک تأمین مالی می‌شدند، لیکن همیشه چشم به راه کمک‌های مالی دولت هم بودند. کسانی که در بلدیة فعالیت می‌کردند حتی از ساده‌ترین امور اداری آگاه نبودند.^{۵۸}

عامل پنجم در ناکارآمدی انجمن بلدی خود حکومت بنادر بود. به دلیل وقوع درگیری‌های ایلی و عشیره‌ای، حکومت بنادر تلاش می‌کرد تا بین قبایل و عشایر و ضابطین محلی و خوانین اختلاف اندازد، گاهی به این و گاهی به آن یکی نزدیک می‌شد. این سیاست باعث شد نفاق همه‌جا را فراگیرد، حکام محلی به جان یکدیگر می‌افتادند و تا یکی کشته می‌شد، تلاش می‌کردند خون‌خواهی کنند و تا به این نیت خود دست پیدا نمی‌کردند، آرام نمی‌شدند. از این رو صلح و سازش از منطقه رخت بر بسته بود.^{۵۹}

۵۵. حبل‌المتین، ش ۲، ۱۹-۱۸.

۵۶. ساکما، ش ۳۵۵۰۰۱۶۸ محل در آرشیو ۱۷۵۱۷.آ.

۵۷. پرورش، ش ۷۵، ۳.

۵۸. حبل‌المتین، ش ۲، ۱۰.

۵۹. سدیدالسلطنه، التذقیق فی سیر الطریق، ۶.

عامل ششم که عاملی فراگیر در همه ایران بود، مسئله ناامنی و ناآرامی‌های اجتماعی بود. به‌ویژه در زمان جنگ جهانی اول که سیطره قدرت مرکزی بیشتر تضعیف می‌شد، راهزنی و دزدی و هرج و مرج شدت می‌گرفت، بحران‌های اجتماعی موجود باعث ضعیف‌تر شدن نهادهای مدنی و اجتماعی برخاسته از مشروطه می‌گردید. اخلاقیات اکثریت مردم که مقررات اجتماعی را بر نمی‌تافتند و منافع فردی را بر مصالح اجتماعی ترجیح می‌دادند، مشکلی مهم‌تر از همه مشکلات بود؛ زیرا تا فرهنگ عمومی متحول نمی‌شد، هیچ تحولی نمی‌توانست صورت گیرد. کلیه این عوامل سرانجام موجب عدم تداوم این نهادها شد. به عبارت‌ی با ناکارآمد شدن این نهادها، راه برای تقویت اخلاقیات غیر مدنی و ایلی و عشیره‌ای بیشتر فراهم شد و عملاً فرایند گسترش نهادهای واسطه بین حکومت و مردم یا همان نهادهای اجتماعی، متوقف گردید و امکان استقرار یک نظام مشروطه متکی بر نهادهای نوین مدنی از بین رفت. این موانع و معضلات سرانجام زمینه پیدایش نظریه ضرورت ایجاد حکومت مقتدر مرکزی در نزد نخبگان سیاسی را فراهم آورد.

این عوامل و معضلات به خودی خود مانع از آن می‌شد تا اداره‌های قانونی مثل بلدیّه بتوانند به وظایف اداری خود رسیدگی نمایند. انجمن بلدیّه اندک‌اندک مایه ناامیدی مردم شده و در نهایت منحل گردید.^{۶۰} به طوری که وضعیت اداره شهر اسفبار بود. در آن زمان اداره بهداشت شهر بر عهده بلدیّه بود، به عبارتی این نهاد دو بخش داشت: بخش نظافت شهر و بخش بهداشت عمومی مردم. به همین دلیل در نقاطی که بهداری وجود داشت، زیر نظر بلدیّه فعالیت می‌کرد. اما عدم نظافت عمومی از یک طرف و هرج و مرج اداری از سوئی دیگر، هر از چند گاهی باعث بروز بیماری‌های واگیردار مثل طاعون و وبا و حصبه می‌شد، کلیه این بیماری‌ها به دلیل عدم رعایت بهداشت به وجود می‌آمد و البته کنترل آن هم طبق قانون بر عهده بلدیّه بود. به همین دلیل مدیریت نابهنجار شهر باعث شد تا در بوشهر «تولید مرض طاعون» رواج پیدا کند، این امر را به دلیل «کثافت شهر و نبودن اداره بلدیّه»

۶۰. حبل‌المتین، ش ۲۹، ۱.

می دانستند، به واقع بلدیة وجود داشت، اما عملاً چون اقدام به کاری نمی توانست بکنند، گویی وجود خارجی نداشت. «عجب آن است که باوجود مهیا بودن اسباب بلدیة و نوع خواهی حکومت حالیه، هیچ خبری از تأسیس بلدیة که روح مملکت است نبود».^{۶۱}

زمانی که طاعون بوشهر را فراگرفت، به همت کلانتر شهر و خود اهالی از کلیه محله ها، تمام کوچه ها نظافت شدند و زباله و کثافات شهری از معابر عمومی برداشته شد و در منطقه ای موسوم به ظلم آباد در نزدیکی بوشهر قرنطینه گذاشتند. کپرهایی را که مظنون به مراکز پخش بیماری بودند، آتش زدند و در نهایت «برای تنظیف همیشگی شهر حساب کرده اند از هر خانه در ماه یک قران جمع کنند. ممکن است به همان، شهر را در ایام سال پاکیزه نگاه داشت به علاوه چراغ شبها که کوچه های شهر را [با] چراغ روشن کنند، مگر عدم انجمن بلدیة که ناشی از نداشتن انجمن ولایتی است سبب تعویق این حال و سایر کارهای واجب شده است».^{۶۲}

نتیجه

انجمن های بلدیة اولین تجربه مدیریت شهری توسط مردم در دوره مشروطه بود. بر این اساس، مشروطه خواهان بوشهر همانند اغلب شهرهای ایران در یک موضوع اشتراک نظر داشتند و آن این که مشروطه برای آنها عدالت، رفاه و آسایش اجتماعی به ارمغان آورد. اگرچه در آغاز انجمن بلدیة بوشهر بر اساس نظام نامه بلدی اقداماتی را انجام داد؛ اما با گذشت زمان این نهاد اجتماعی در عمل با مشکلات متعددی روبه رو شد. از جمله عواملی که مانع از تداوم فعالیت این انجمن شد، می توان به اختلاف نظر میان حکمرانان بوشهر با اعضای انجمن بلدیة، کمبود بودجه مالی بلدیة، بی اعتمادی و بدبینی مردم نسبت به نهادهای دولتی و درگیری های ایلی و عشیره ای اشاره کرد. علاوه بر آن، ناامنی و ناآرامی های

۶۱. جنوب، ش ۷، ۷.

۶۲. مظفری، ش ۷، ۲۱.

سیاسی-اجتماعی به‌ویژه در طول جنگ جهانی اول، موجب تضعیف اقتدار حکومت مرکزی و بروز هرج و مرج و بحران‌های اجتماعی در کشور شده بود. با تضعیف نهادهای مدنی و کم‌رنگ‌تر شدن حضور مردم در اداره شهر و با توجه به شرایط و فضای سیاسی کشور از دوره مشروطیت تا جنگ جهانی اول، حمایت‌های جدی از انجمن بلدیة صورت نگرفت. در نتیجه این انجمن به‌رغم خدمات و دستاوردهای ارزشمندش از دستیابی به اهداف آرمانی خود ناکام ماند.

کتابشناسی

- آدمیت، فریدون و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوره قاجار، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۵۳ ش.
- استفان رأی، گرومون، چالش برای قدرت و ثروت در جنوب ایران از سال ۱۷۵۰-۱۸۵۰ م، ترجمه حسن زنگنه، قم، موسسه نشر همسایه، ۱۳۷۸ ش.
- استقلال، س اول، ش ۸۳۲، ۱۳۲۷ ق.
- اوکانر، فردریک، خاطرات کنسول انگلیس در فارس، از مشروطه تا جنگ جهانی اول، ترجمه حسن زنگنه، تهران، انتشارات شیرازه، ۱۳۷۶ ش.
- ایران، ش ۲۳۴، شعبان ۱۳۳۶ ق.
- ایران، ش ۸۴۵، رجب ۱۳۱۲ ق.
- بلدیة، س اول، ش ۲، شوال ۱۳۳۹ ق.
- بلدیة، س اول، ش ۴، شوال ۱۳۳۹ ق.
- بلدیة، س اول، ش ۱۶، محرم الحرام ۱۳۴۰ ق.
- بلدیة، س سوم، ش ۵، رجب المرجب ۱۳۴۳ ق.
- بلدیة، س چهارم، ش ۱۰، ربیع الثانی ۱۳۴۴ ق.
- پرورش، س دوم، ش ۷۵، دلو ۱۳۰۴ ش.
- تیموری، ابراهیم، دو سال آخر، یادداشت‌های روزانه سرجان کمیل، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ ش.
- جنوب، س اول، ش ۷، ربیع الاول ۱۳۲۷ ق.

- جنوب، س اول، ش ۸، صفر ۱۳۲۹ق.
- جنوب، س اول، ش ۲۷، رجب ۱۳۲۹ق.
- چریکف، مسیو، سیاحت نامه مسیو چریکف، ترجمه آبکار مسیحی، به کوشش علی اصغر عمران، تهران، شرکت نشر سهامی سپهر، ۱۳۵۸ش.
- حبل المتین، س ۱۸، ش ۱۷، شوال ۱۳۲۸ق.
- حبل المتین، س ۱۸، ش ۲۰، جمادی الثانی ۱۳۲۸ق.
- حبل المتین، س ۱۸، ش ۲۴، صفر ۱۳۲۸ق.
- حبل المتین، س ۱۸، ش ۲۹، شوال ۱۳۲۸ق.
- حبل المتین، س ۱۸، ش ۳۴، ربیع الاول ۱۳۴۲ق.
- حبل المتین، س ۱۹، ش ۱۹، شوال ۱۳۲۹ق.
- حبل المتین، س ۲۰، ش ۷، شعبان ۱۳۴۲ق.
- حبل المتین، س ۲۰، ش ۴، جمادی الثانی ۱۳۴۲ق.
- حبل المتین، س ۲۲، ش ۷، ذی القعدة ۱۳۴۲ق.
- حبل المتین، س ۲۲، ش ۳۶، رجب ۱۳۴۴ق.
- حبل المتین، س ۳۳، ش ۳۱، رمضان ۱۳۴۴ق.
- حسینی فسایی، حاج میرزا حسن، فارسنامه ناصری، به کوشش دکتر رستگار فسایی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲ش.
- حیدری، جهانگیر، «بررسی نقش دولت در پیدایش و توسعه کالبدی - فضای بندر بوشهر»، مطالعات شهری، ش ۷، تهران، تابستان ۱۳۹۲.
- دوسفرنامه از جنوب ایران در سالهای ۱۳۰۷-۱۲۵۶هـ. ق، به کوشش سیدعلی آل داوود، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷ش.
- دوگوبینو، کنت، سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، انتشارات نشر قطره، ۱۳۸۵ش.
- رعد، ش ۱۵۶، رمضان ۱۳۳۳ق.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند شماره ۲۹۳۰۰۰۵۱۲ در آرشیو ۱۵۶ک.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند شماره ۲۹۰۰۰۴۹۷۱ در آرشیو ۳۱۱هـ.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند شماره ۲۹۰۰۰۲۹۷۷ در آرشیو ۱۷۴ الف.

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند شماره ۳۵۵۰۰۰۱۵۹، در آرشیو ۵۰۸ آ.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند شماره ۳۵۵۰۰۰۱۶۸ در آرشیو ۵۱۷ آ.
- ستاره ایران، ش ۱۳، ذیحجه ۱۳۴۱ ق.
- سدیدالسلطنه، محمدعلی، بندرعباس و خلیج فارس، به کوشش احمد اقتداری و علی ستایش، تهران، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۲ ش.
- همو، سفرنامه سدیدالسلطنه (التدقیق فی سیر الطریق)، به کوشش احمد اقتداری، تهران، انتشارات بهنشر، ۱۳۶۲ ش.
- کاکس، سرپرسی، گزارش‌های سالانه سرکنسول انگلیس در بوشهر (۱۹۰۵-۱۹۱۱)، ترجمه حسن زنگنه، به کوشش عبدالکریم مشایخی، بوشهر، انتشارات پروین، ۱۳۷۷ ش.
- کتاب آبی، گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره مشروطه ایران، به کوشش احمد بشیری، تهران، نشر نو، ۱۳۷۹ ش.
- کتاب نارنجی، گزارش سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران، به کوشش احمد بشیری، تهران، انتشارات نور، ۱۳۶۷ ش.
- سعادت، محمدحسین، تاریخ بوشهر، به کوشش عبدالرسول خیراندیش و عمادالدین شیخ‌الحکمایی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب کازرونیه، ۱۳۹۰ ش.
- طلوع، س اول، ش ۶۵، آبان ۱۳۰۳ ش.
- فلاندن، اوژن، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نورصادقی، تهران، انتشارات اشرفی، ۱۳۵۶ ش.
- فلور، ویلم، ظهور و سقوط بوشهر، ترجمه حسن زنگنه، تهران، انتشارات طلوع دانش، ۱۳۸۷ ش.
- لاخ، سر ارسکین، سفرنامه دریایی لاخ به خلیج فارس (ساحل دزدان دریایی)، ترجمه حسین ذوالقدر، تهران، نشر حیدری، ۱۳۶۹ ش.
- مجلس، س دوم، ش ۳۰، ذی‌الحجه ۱۳۲۵ ق.
- مجلس، س پنجم، ش ۲۹، رمضان ۱۳۲۷ ق.
- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه (از کابینه قرارداد و ثوق الدوله تا آخر مجلس موسسان)، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۸۸ ش.
- مشروطیت جنوب ایران به گزارش بالیوز بریتانیا در بوشهر (۱۹۱۵-۱۹۰۵ م / ۱۳۳۳-۱۳۲۳ هـ.ق)، ترجمه حسن زنگنه، تهران و بوشهر، موسسه مطالعات معاصر ایران و بنیاد ایران‌شناسی استان

بوشهر، ۱۳۸۶ ش.

مظفری، س دوم، ش نهم، صفرالمظفر ۱۳۲۰ ق.

مظفری، س دهم، ش هفتم، جمادی الاول ۱۳۲۸ ق.

مظفری، س دهم، ش شانزدهم، شعبان المعظم ۱۳۲۸ ق.

یادگار جنوب، س اول، ش ۷، رجب ۱۳۲۹ ق.

اداره بلدیہ بوشهر

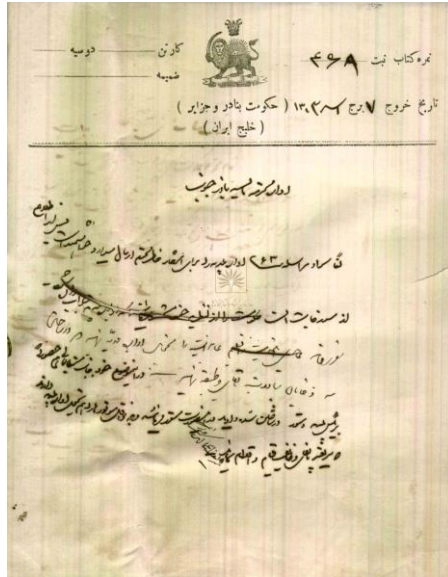
صورت خلاصه جمع و خرج بلدیہ در مدت یکساله تقاری ی تیل ۱۳۰۰

| عایدات یکساله تقاری ی تیل | ۱۴۰۴۳۴ | ۴۰ | | |
|---|--------|----|--------|----|
| مخارج | | | ۶۶۸۸۵۰ | ۹۵ |
| جمع عایدات و مخارج یکساله | ۱۴۰۴۳۴ | ۴۰ | ۶۶۸۸۵۰ | ۹۵ |
| موجودی صندوق اداره از حساب آخر خرج حوت پیش تیل ۱۳۹۹ | ۱۶۱۱۲ | ۲۰ | | |
| کسر دخل طلب آورده حسین بیبا از رئیس بازاریه بیاض | ۹۰۸۸ | ۹۵ | | |
| جمع کل | ۱۶۷۸۵۰ | ۹۵ | ۶۶۸۸۵۰ | ۹۵ |

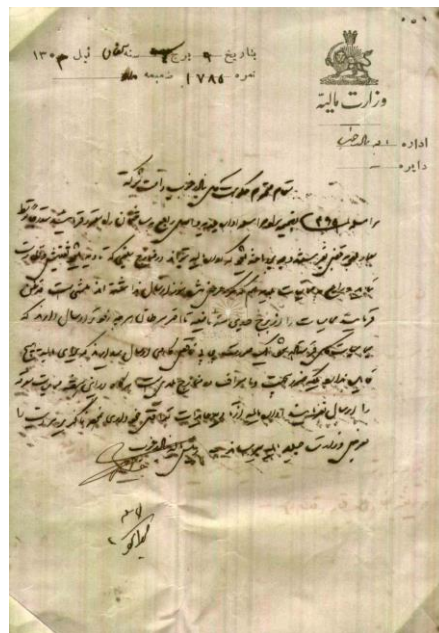
مبلغ نهصد و هشتاد و نه تومان هشت هزار و پنج صد و شصت و دو درخت اداریه است آریه حسین بیبا از رئیس بازاریه
پرداخته و از اداره طلب کترا است - نام آن را حساب بلدیہ - مورد

رئیس بلدیہ بوشهر
حسین بیبا

ضمیمه شماره ۱

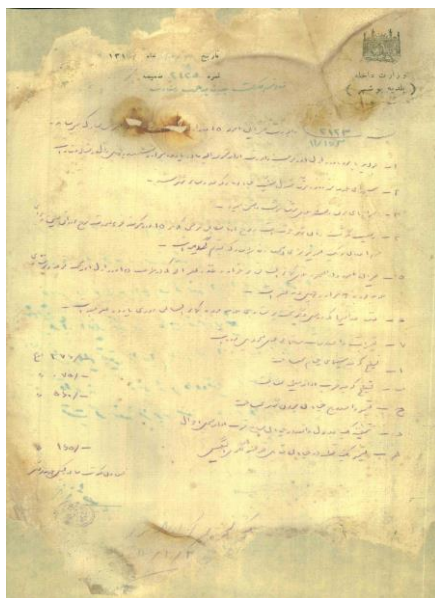


ضمیمه شماره ۲، ص ۱

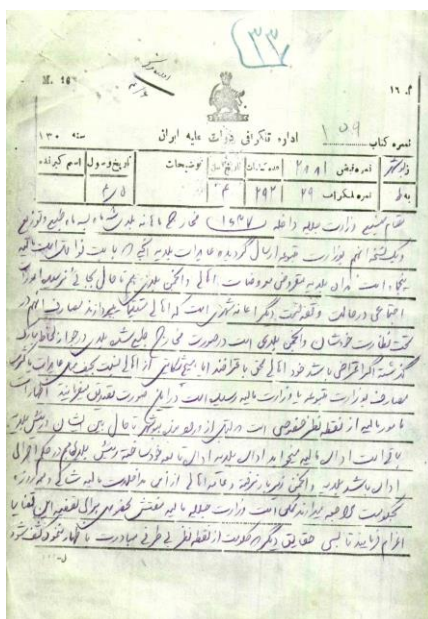


ضمیمه شماره ۲، ص ۲

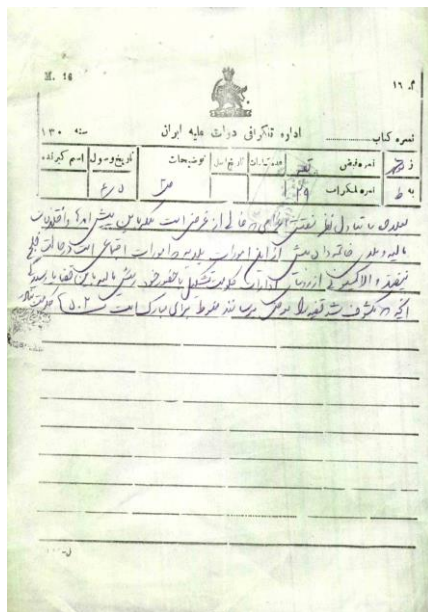
انجمن بلديه بوشهر در دوره مشروطه و علل و عوامل ناکامي آن / ۱۶۵



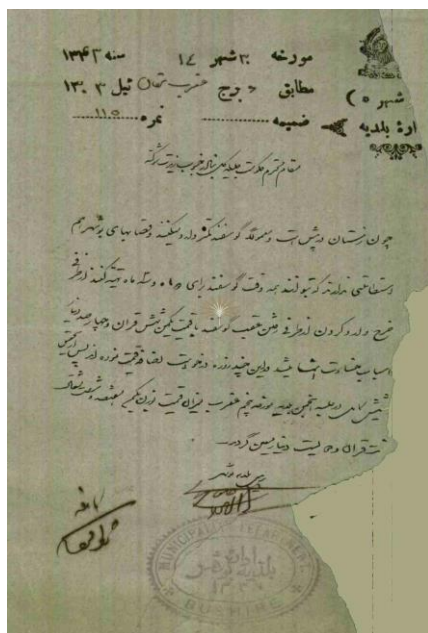
ضمیمه شماره ۳



ضمیمه شماره ۴، ص ۱



ضمیمه شماره ۴، ص ۲



ضمیمه شماره ۵